



Investigating Russian cognitive-hybrid functions Based on the diaspora in the Baltic region

Davoud Faridpour¹ | MohamadHosein GhorbaniZavareh² | HamidReza Faridour³

1. Corresponding author, PhD in Communication Sciences, Faculty of Communication, Allameh Tabatabaee University (RA), Tehran, Iran E-mail: Dr.Faridpour@gmail.com
2. PhD student in law and researcher in the field of hybrid and cognitive warfare. E-mail: ghorbani.62@gmail.com
3. .MSC. statistics economic and social of Razi University and Researcher in the field of analysis and military power. hamidrezafarid@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received :14 September 2022

Received in revised form 10

October 2022

Accepted: 29 November 2022

Published online: 21

December 2022

Keywords:

Baltic countries,
Influence,
Russian ethnicities,
Russian policies,
Soft power,
War of knowledge,

ABSTRACT

The study and analysis of the developments in the Baltic region indicates that Russia, in addition to the traditional means of economic and military pressure, gradually uses soft power tools in the framework of the strategy to legitimize its interests in the Soviet Union environment of cognitive warfare has expanded. as a result; The large Russian-speaking minority is capable of being an effective actor in directing the Kremlin's ambiguous and hostile policies.

Russia's basic goal of providing tools of this type of power is based on the research and recommendations of thinkers such as Joseph Nye, Primakov's doctrine and Gerasimov's theory, and for this reason;

The following article tries to analyze and qualitatively analyze general and common scientific methods such as: inference, comparison, simile, description, explanation and combination and take advantage of key indicators such as; To present the key role of social media, public and private organizations and institutions, diplomacy, ideology, law and economics in the toolbox of cognitive warfare, therefore, in this article, an insight into the nature of Russia's power of deception and obfuscation is provided, while at the same time it tries to achieve real benefits. The Russian Federation should be discussed further in the next parts of the research.

Now, in stating the main problem and challenge of this research, we can say; Soft power has given clear legitimacy to the multiple interests of Russia in the -Soviet Union space and is trying to get the necessary concessions from the actors and targets by using special tools and measures in this direction. In the following; It is likely that the advantage of such influence would lead to effective and serious opposition to the United States among other societies and governments, similar to Russia.

Cite this article: Faridpour, Davoud, Ghorbani Zavareh, Mohamad Hosein, & Faridpour, HamidReza. (2022). Investigating Russian cognitive-hybrid functions Based on the diaspora in the Baltic region .*News Science*, 11 (43), 83-110.



بررسی عملکردهای هیبریدی - شناختی روسیه با تکیه بر دیاسپورا در منطقه بالتیک

داود فریدپور^۱ | محمدحسین قربانی زواره^۲ | حمیدرضا فریدپور

۱. نویسنده مسئول، دکترای علوم ارتباطات، دانشکده ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران. رایانامه: Dr.Faridpoor@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق و پژوهشگر حوزه جنگ ترکیبی و شناختی شناختی. رایانامه: ghorbani.62@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد آمار اجتماعی و اقتصادی دانشگاه رازی. پژوهشگر حوزه تحلیل و قدرت نظامی رایانامه: hamidrezafarid@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	بررسی و تحلیل تحولات کشورهای منطقه بالتیک حکایت از آن دارد که روسیه، علاوه بر ابزارهای سنتی فشارهای اقتصادی و نظامی، برای مشروعیت بخشیدن به منافع خود - در فضای پس از اتحاد جماهیر شوروی - به‌مرور نفوذ خود را از طریق ابزارهای قدرت نرم در چارچوب استراتژی منجمد در محیط جنگ شناختی گسترش داده است. در نتیجه؛ اقلیت بزرگ روسی‌زبان قادرند بازیگران مؤثری در جهت‌دهی سیاست‌های پُر ابهام و البته خصمانه کرملین به شمار آیند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲۳	هدف اساسی روسیه از ارائه ابزارهای این نوع قدرت بر پایه تحقیقات و توصیه‌های اندیشمندان همچون جوزف نای، دکترین پریماکوف و نظریه گراسیموف پیش می‌رود و به همین دلیل؛
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۷/۱۸	مقاله پیش رو تلاش دارد تا با تجزیه و تحلیل دقیق و کیفی روش‌های عمومی و رایج علمی همچون: استنتاج، مقایسه، تشبیه، توصیف، توضیح و ترکیب بهره گرفته و از شاخص‌های کلیدی از جمله؛ نقش کلیدی رسانه‌های اجتماعی، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی، دیپلماسی، ایدئولوژی، قانون و اقتصاد آن را در جعبه‌ابزار جنگ شناختی ارائه دهد، بنابراین در مقاله حاضر بینشی از ماهیت قدرت فریب و ابهام بخشی روسیه ارائه می‌شود و درعین حال تلاش دارد تا منافع واقعی فدراسیون روسیه را در بخش‌های بعدی پژوهش مورد بحث بررسی بیشتر قرار دهد. اکنون در بیان مسئله و چالش اصلی این پژوهش می‌توان گفت؛ قدرت نرم به منافع چندگانه روسیه در فضای پس از اتحاد جماهیر شوروی مشروعیت آشکاری بخشیده و تلاش دارد با به‌کارگیری ابزارها و اقدامات خاص در این راستا، از بازیگران و اهداف تعیین شده امتیازات موردنیاز را دریافت کند. در ادامه؛ این احتمال وجود دارد مزیت چنین نفوذی، منجر به مخالفت مؤثر و جدی ایالات‌متحده در بین سایر جوامع و حاکمیت‌ها، شبیه به روسیه نیز شود.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۱۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۹/۳۰	
کلیدواژه‌ها:	
جنگ شناخت، سیاست‌های روسیه، قدرت نرم، کشورهای بالتیک، نفوذ، قومیت‌های روس	

استناد: فریدپور، داود؛ قربانی زواره، محمدحسین؛ و فریدپور، حمیدرضا (۱۴۰۱). بررسی عملکردهای هیبریدی - شناختی روسیه با تکیه بر دیاسپورا در منطقه بالتیک.؛

علوم خبری، ۱۱ (۴۳)، ۸۳-۱۱۰.



مقدمه

به نظر بسیاری از پژوهشگران، روسیه یک قدرت واقع‌گرای کلاسیک به‌شمار می‌رود و به‌جای تکیه بر قدرت جاذبه‌ای خود که در اوکراین دیده شد به اقدامات چندبُعدی یا هیبریدی با نگاه شناختی و البته سخت، روی آورده است. آخرین دستاوردهای تحقیقاتی نشان می‌دهد که جدا از فشارهای اقتصادی سنتی و سیاست نظامی، مسکو ابزارهای نفوذ خود را در کشورهای بالتیک به شکلی کاملاً خاص گسترش و البته توسعه داده است. این امر با استفاده از ابزارهای قدرت نرم در جهت مشروعیت بخشیدن به منافع این قدرت بین‌المللی در فضای پس از اتحاد جماهیر شوروی و در نتیجه حضور پروکسی‌ها و قومیت‌های بزرگ روس زبان انجام می‌پذیرد. وضعیت کنونی زبان روسی در بین کشورهای کوچک منطقه بالتیک بر اساس شاخص‌های (فرهنگی، تاریخی و سیاسی) شکل گرفته و همچنان با نگاه شناختی ادامه دارد. مهم‌ترین آنها مربوط به دوره پُر التهاب شوروی و سیاست خنثی‌سازی دولت‌های بالتیک در جهت خنثی‌سازی تصمیم‌گیری‌های اروپایی است. روسیه بر تبعیض و تحقیر کمیته‌های سیاسی، زبانی، آموزشی و اجتماعی این منطقه با استفاده از روس‌های قومیتی تأثیر گذاشته و از دست رفتن کنترل سرزمینی و استقلال منطقه بالتیک را تا به امروز نپذیرفته است. در قرن جدید؛ مسکو سیاست خارجی کاملاً جدیدی را در قبال شهروندان اروپای شرقی و منطقه بالتیک تدوین و بر اساس یک‌زمان بندی خاص به اجرا درآورده است.

تنها در اوایل قرن بیستم مسئله "هم‌وطنان" در گفتمان سیاسی روسیه ظاهر شد که در نقش یک میانجی در برابر اقدامات ترکیبی اتحادیه اروپا قرار گرفت. به اصطلاح "کارت روسی" برای جلوگیری از تجزیه اتحاد جماهیر شوروی در پوشش سیاست‌های چندگانه دنبال شد و البته همچنان ادامه دارد. حفاظت از دیاسپوراهای روسی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برای گورباچف قابل توجه و بسیار مهم بود؛ اما مسئله هم‌وطنان و قومیت‌های روس برای یلتسین در دوره نخست ریاست جمهوری وی اهمیت کمتری داشت. در آن زمان، گورباچف تنها موافقت‌نامه‌های دوجانبه از جمله؛ حمایت از حقوق و آزادی‌های دیاسپورایی روسیه در فضای پس از شوروی را با طرف‌های اروپایی و آمریکایی به امضای رساند و سپس طولی نکشید وضعیت پس از جنگ‌های داخلی پی‌درپی در جمهوری مولداوی سیاست تابعیت شهروندان در کشورهای منطقه بالتیک را با تغییر و تحول جدی روبه‌رو ساخت. نتیجه تلاش یلتسین برای حمایت از مهاجران روسی، صرفاً برای حفاظت از حقوق شهروندی آنها بود. (Horska 2009) یکی از اولین اسناد مربوط به مسئله هویت هم‌وطنان در فرمان یلتسین در سال ۱۹۹۴، مطرح گردیده که از بعد علمی و تحقیقاتی حائز اهمیت است. (Diaspora Act 1994) بی‌تردید؛ مسکو از تمامی هم‌وطنانی که به سرزمین مادری خود بازمی‌گردند حمایت ویژه‌ای خواهد کرد. پس از بازگشت به آنان، شهروندی روسیه اعطا می‌شود که هویت ملی آنها از طریق ابزارهای (حقوقی، سیاسی، اطلاعاتی، دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی) محافظت می‌شود. در سال ۱۹۹۵، یلتسین شورای هم‌وطنان را تأسیس کرد، با این حال ایده سیاست هم‌وطنان روسیه به‌عنوان اقدام سازنده برای روس‌های که در خارج از کشور حضور دارند، تنها در دوره ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین شکل گرفت و دارای ارزش اجرایی است. طبق نظر کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و کشورهای منطقه بالتیک، پوتین موفق شد با ترکیب عناصر تبلیغاتی به سبک شوروی سابق، قدرت سخت و نرم را به هم ارتباط دهد. (Conley, Gerber 2011) و سپس دیاسپورا به ابزاری مناسب برای اجرای سیاست‌های ترکیبی در زمینه منافع سیاسی و تاریخی روسیه تبدیل شده‌اند و ترویج تصویر مثبت از دولت و بیان منافع آن در محیط بین‌المللی در اولویت‌های هیبریدی مسکو قرار دارد.

به گفته جوزف نای (۲۰۰۴)، قدرت نرم این است که مردم را به آنچه ما می‌خواهیم جذب و به شکلی غیرمستقیم وادار به انجام آن عمل کنیم. این توانایی؛ شکل دادن به ترجیحات دیگران، ترغیب و یا همکاری آنها است. چنین رویکردی ظرفیتی است که فرهنگ و ایدئولوژی دولت‌ها را برای دنبال کردن اهداف خاص، جذاب و در بسیاری موارد تحریک می‌کند. قدرت نرم اجازه می‌دهد تا قوانین بین‌المللی مطابق با منافع و ارزش‌های حاکمیتی شکل بگیرد و هنگامی که فعالیت‌ها از سوی جامعه بین‌المللی پشتیبانی می‌شود، قدرت نرم آن حاکمیت، در حال رشد و توسعه تلقی می‌شود. همچنین در کشورهای غیر دموکراتیک، سیاستمداران باید بر جذابیت و انگیزه‌های خاص تکیه کنند و آنها بیشتر به ماهیت‌های جذاب فرهنگ، ارزش‌های سیاسی، نهادها و سیاست داخلی و خارجی بستگی دارد که از نظر قانونی معتبر و بااهمیت ارزیابی می‌شوند.

بی‌تردید؛ بین قدرت سخت و نرم ارتباط تنگاتنگی وجود دارد زیرا؛ هر دو به جنبه‌های مختلف توانایی و موفقیت در اثرگذاری بر رفتار و آگاهی دیگران و یا حریف اشاره دارند. با این حال، آنها ماهیت مستقل نیز خواهند داشت که به طرز متناقضی، قدرت سخت می‌تواند با ایجاد فضای پُرابهام درباره شکست‌ناپذیری حاکمیت‌ها که دیگران را به خود جلب می‌کند، کارایی قدرت نرم را تقویت و به عبارت بهتر پشتیبانی و هدایت کند.

پیشینه پژوهش

بررسی اسناد و مدارک نشان می‌دهد؛ بیشترین تجزیه و تحلیل‌های مربوط به قدرت نرم روسیه بر تأثیرات قومیتی جوامع در منطقه بالتیک و اروپای شرقی متمرکز شده و نتایج اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن کاملاً ملموس است. بحث روزافزون و حائز اهمیت در ادبیات تحقیق پیش رو؛ در واقع بررسی نفوذ نرم و سخت روسیه در مناطق تحت سلطه اتحاد جماهیر شوروی سابق است و علاوه بر جنبه‌های فوق، چند عامل دیگر نیز در اثرگذاری کرملین مورد توجه قرار گرفته که در پژوهش حاضر به‌طور مفصل به آن پرداخته شده است. به‌طور خاص، از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی؛ کرملین تلاش کرده با اعمال سیاست‌های هیبریدی قدرت نفوذش را در بین کشورهای منطقه بالتیک بدون پرداخت هزینه‌های فراوان افزایش دهد و همچنین به‌نوعی از درگیری‌های نظامی فاصله بگیرد. اکنون در این مقاله تلاش گردیده تا با ترسیم نگاه و فرایندهای آشکار و پنهان جنگ شناختی روسیه، نتیجه قابل‌تأملی در این باب حاصل شود. این مقاله؛ عمدتاً بر سیستم امنیتی اروپا و منطقه بالتیک در زمینه تغییر وضعیت فرهنگی و اجتماعی قومیت‌های روس پس از پایان جنگ سرد متمرکز گردیده و روابط مسکو و کشورهای کوچک منطقه بالتیک را در مسیر تحول ساختارهای امنیتی این منطقه از ۱۹۹۱ تا به امروز مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. علاوه بر این، تلاش گردیده تا جایگاه درک شده روسیه در سیستم امنیتی اروپا پس از انحلال نظم جهانی دوقطبی با رویکرد شناختی مورد مطالعه قرار گیرد و در نهایت؛ چشم‌انداز ایجاد یک جریان نرم با مشارکت و هم‌افزایی مسکو مورد بحث قرار گیرد.

طرح مسئله

در پژوهش پیش رو به دنبال بررسی مسائل چندگانه در خصوص نقش قومیت‌های روس، رسانه و فعالیت انجیوه‌های مردمی در جامعه امروزی منطقه بالتیک با نگاه نرم و شناختی روسیه هستیم. لیکن؛ حال سؤالی مطرح می‌شود؛ آیا قدرت هوشمندی که جوزف نای آن را تحت عنوان توانایی استفاده منطقی از ماهیت قدرت «سخت و نرم» تعریف کرده، برای موفقیت در سیاست بین‌المللی از جانب روسیه در منطقه اروپای شرقی ضروری و الزام‌آور است و اینکه در خصوص تلاش‌های مسکو، به نظر می‌رسد که نسبت به "کشورهای خارجی نزدیک" که تحت سلطه شناختی قرار می‌گیرند، قدرت نرم یک ابزار همراه با قدرت سخت و قابل توجه و اثرگذار محسوب می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

مبنای نظری و روش‌شناختی این پژوهش علمی از باب موضوعات مورد بررسی، بر گرفته از آثار دانشمندان علوم سیاسی، فیلسوفان، پژوهشگران در زمینه روابط بین‌الملل، جنگ اطلاعاتی، عملیات روانی و امنیت بین‌الملل است. منابع تحقیق شامل تعدادی گزارش از مراکز تحلیلی مربوط به (امنیت، جنگ اطلاعاتی و تأثیر شناختی) است. (Lewis, 2018) نویسندگان از روش‌های عمومی و رایج علمی همچون: استنتاج، مقایسه، تشبیه، توصیف و توضیح، ترکیب و تجزیه و تحلیل بهره گرفته و استفاده از آن‌ها امکان مطالعه جامع در زمینه علل تحول استراتژی‌های خاص در قرن ۲۱ و معرفی نقش انحصاری (مؤلفه‌های نرم و سخت) در تقابل ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم را بازگو می‌سازد. این مقاله بر اساس روش فرضی - استنتاجی و با رویکردهای تاریخی، تکاملی و همچنین

روش‌های مدل‌سازی مفهومی و پیش‌بینی برای ارزیابی چشم‌انداز توسعه جنگ نرم روسیه در منطقه بالتیک تهیه و سپس به نگارش درآمده است.

یافته‌های پژوهش

منابع قدرت نرم در راستای موفقیت بازیگر بزرگ

به گفته دستیار پیشین رئیس‌جمهور آمریکا جوزف نای، فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی، منابع اصلی در قدرت نرم محسوب می‌شوند. برای روسیه، زبان روسی شاخص اصلی در چندین کشور حاضر در منطقه بالتیک به شمار می‌رود، جایی که این زبان برای ۸ درصد از ساکنان لیتوانی حدود ۳۳ درصد، ۸ درصد در لتونی که حدود ۲۹ درصد ارزیابی می‌شود و البته برای ۶ درصد در استونی زبان مادری است (The World Factbook 2015). در همین رابطه؛ گفته می‌شود که روسیه یادآور تاریخ غم‌انگیز و پُرالتهاب در کشورهای بالتیک نیز است. زبان روسی همچنان محبوب‌ترین زبان دوم در لیتوانی بوده و بسیاری از خانواده‌ها به آن علاقه‌مند هستند. وضعیت کاملاً مشابهی در لتونی و استونی نیز حاکم بوده و اکثر نسل‌های قدیمی به دلیل الزام فرهنگی در زمان اشغال شوروی بر آن مسلط هستند. امروزه، این جریان فرهنگی در حال کاهش است؛ بسیاری از اقوام لیتوانیایی، زبان روسی را "یادگار استعمار" می‌دانند و تنها حدود ۴۰ درصد از کودکان به رقم علاقه‌مندی خانواده‌هایشان آن را یاد می‌گیرند. اکنون زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و اسپانیایی محبوب‌ترین زبان‌های خارجی برای آموزش در کشورهای منطقه بالتیک هستند. جدول شماره یک این مقاله موضوع فوق را بیشتر توضیح می‌دهد:

جدول شماره ۱: محبوب‌ترین زبان‌های خارجی در کشورهای بالتیک

زبان و کشور	لیتوانی %	لتونی %	استونی %
روسیه	۷۹	۶۷	۶۲
انگلیسی	۲۶	۳۴	۴۱
فرانسه و آلمانی	---	----	۱۸
لهستانی	۱۷	----	---

منبع: کمیسیون ارزیابی اتحادیه اروپا در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱

در فوریه ۲۰۱۲، همه‌پرسی مربوط به زبان روسی به‌عنوان دومین زبان رسمی در لتونی برگزار شد. از آن زمان به بعد طبق قانون اساسی لتونی، این کشور یک حاکمیت تک زبان است. در همه‌پرسی صورت گرفته؛ ۷۰ درصد از شهروندان شرکت کردند و تقریباً ۷۵ درصد مخالف زبان روسی در کشورشان بودند. نمایندگان اقلیت روس در کشور لتونی که در همه‌پرسی شرکت داشتند، تأیید کردند که این نتیجه وضعیت واقعی را منعکس نمی‌کند زیرا بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر از ساکنان روسیه (بدون تابعیت در لتونی) همچنان حق رأی ندارند و هیئت فدراسیون روسیه در همه‌پرسی انجام گرفته از وضعیت ناظر برخوردار نبودند که همین امر موجب شد که دولت روسیه آن را؛ نادیده گرفتن و حتی زیر پا گذاشتن حقوق بشر و حقوق بین‌الملل از سوی لتونی یاد کند (Economist 2012). روس‌ها، دولت‌های بالتیک را به سیاست "ضد اقلیت" در نظام آموزش و پرورش متهم می‌کنند که در آن زبان‌های بسیاری از اقلیت‌ها طی زمان کاهش یافته و به آن توجهی نشده است. در حالی که طی دوران اتحاد جماهیر شوروی در تمامی سطوح آموزشی سیستم دوزبانه وجود داشت، اکنون به‌طور تقریبی در تمامی مدارس دولتی (به‌طور مشابهی در مدارس خصوصی شهرداری استونی) دروس به زبان مشترک بالتیک تدریس می‌شود (Заренков 2013, Baltic Times 2015). هتل‌ها و رستوران‌های خصوصی هنوز دارای منوهای روسی هستند و از این زبان مشترک برای پذیرایی از گردشگران متعدد روس

استفاده می‌کنند. باین حال، آمارها نشان می‌دهد که تعداد گردشگران روسی که از لتونی دیدن می‌کنند سال به سال کاهش می‌یابد. (BNN-news 2015)

فرهنگ همچنین شامل ادبیات، آموزش، تبادلات دانشگاهی، هنر، فرهنگ عامه و سرگرمی‌های جمعی است. در کشورهای منطقه بالتیک، فرهنگ قوی و سنتی روسیه (ادبیات، هنر) و فرهنگ عامیانه به خوبی شناخته شده و به طور گسترده‌ای توسط مسکو یا شرکت‌های تجاری این کشور ترویج می‌شود. روزهای فرهنگی روسیه، جشنواره‌ها، کنسرت‌ها و رویدادهای ورزشی (جشنواره زبان و فرهنگ روسی در ویلنیوس؛ روزهای فرهنگی روسیه در جشنواره لتونی و بهترین نمایش‌های روسی در جشنواره تئاتر ماسک طلایی در لتونی) همچنان به رقم مخالفت‌ها ادامه دارد. مردم از موسیقی، ادبیات و رسانه‌های روسی لذت می‌برند و مدعی هستند که هرگز؛ "فرهنگ و سیاست نباید باهم آمیخته شود." (BNN-news 2015a)

دموکراسی، حقوق بشر و صلح جذاب‌ترین ارزش‌های سیاسی برای تمامی جوامع بین‌المللی است. باین حال، برای قدرت نرم و البته شناختی روسیه مفاهیم جهانی شامل: لیبرالیسم، جایگزین ایده‌های غربی، ایده جهان چندقطبی (به‌ویژه در مخالفت با تسلط ایالات متحده)، سنت و محافظه‌کاری در اصول قومیتی شناسی است. در سال‌های اخیر، مسکو اتهاماتی را علیه فاشیسم و نازیسم که جلا دهنده روح و فرهنگ استونی می‌باشد را مطرح ساخته و از آن در قالب آثار علمی و هنری دفاع کرده است. مبارزه با جعل و فریب‌های گذشته به‌عنوان اصل اساسی در ایدئولوژی منطقه بالتیک، صرفاً خطاب به دیاسپورهای روسی‌زبان شکل گرفته و آنان را مورد حمله سخت فرهنگی قرار داده است. اوج این نگاه در اواخر آوریل و مه سال ۲۰۰۷، در شهر تالین رخ داد، هنگامی که حذف سرباز برنز، یادبود جنگ جهانی دوم و حضور ارتش شوروی موجب بروز شورش‌های استونیایی-روسی شد که البته در آن یک شهروند روس تبار دچار جراحات شدید و در نهایت فوت کرد (Liik 2007). برای استونی‌ها، سرباز برنز نشانه اشغال شوروی هست و استقلال آنها تنها با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی انجام گرفته؛ اما برای روس‌ها این بنا، یادبود قربانیان ارتش سرخ در مبارزه با ایدئولوژی فاشیستی است. در سال ۲۰۱۱، زمانی که بنای یادبود سرباز ارتش شوروی در قبرستانی در تالین انتقال پیدا کرد، این درگیری دوباره روح تازه‌ای به خود گرفت و بار دیگر دولت روسیه و اقلیت روس در استونی آشفته و آزردده خاطر شدند؛ اما این تنها بهانه‌ای برای کرم‌لین بود تا دیدگاه خود را در مورد تاریخ که پیروزی بر آلمان نازی هست بار دیگر بروز و در سطح منطقه انتشار دهد. در حقیقت، روسیه قصد دارد از نمایش و دیدگاه منفی اتحاد جماهیر شوروی که نگاه تند و رادیکال کمونیستی بود جلوگیری کرده و با آن مقابله ترکیبی کند. این رویکرد، یک روش خاص در زمینه فشار بین‌المللی بر کشورهای بالتیک نیز یاد می‌شود.

به‌غیر از ارزش‌های موجود، سیاست خارجی سومین منبع مهم (قدرت نرم) به شمار می‌آید. این اقدامات شامل مشارکت‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای، میانجی‌گری، کمک‌های بشردوستانه، ارتقای ارزش‌ها و تلاش‌های مثبت و همکاری با نهادهای بین‌المللی در راستای جلوگیری از هر نوع درگیری است. روسیه با آغاز و توسعه همکاری‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای را رهبری و کنترل می‌کند و این کشور از اقلیت روسی‌زبان پشتیبانی و از همین طریق نوستالژی‌های گذشته اتحاد جماهیر شوروی را تحریک و تداوم می‌بخشد.

ابزار قدرت نرم در سیاست‌های روسیه

بی‌تردید، سطح قدرت نرم به جامعه بستگی دارد. به همین دلیل اهداف اجتماعی در این زمینه کاملاً مطلوب و خاص آن جامعه یا محیط است و همواره سیاستمداران با اعمال دیپلماسی عمومی که نوعی ارتباط دولت با مردم یاد می‌شود صرفاً به آن عمل می‌کنند (Simons 2015). در خصوص جنگ شناختی روسیه، این یک مدل خاص سلسله مراتبی برای تبادل و ترکیب اطلاعات و تسلط بر افکار جامعه در سطح داخلی و بین‌المللی محسوب می‌شود (Panova 2015). با استفاده از آژانس‌های (سیاسی، فرهنگی و اقتصادی)، به‌ویژه تلویزیون، اینترنت، رادیو، سیاست‌های زبانی، ویزا، سیاست شهروندی، نهادهای خصوصی (شرکت‌ها، بنیادها،

² Festival in Vilnius

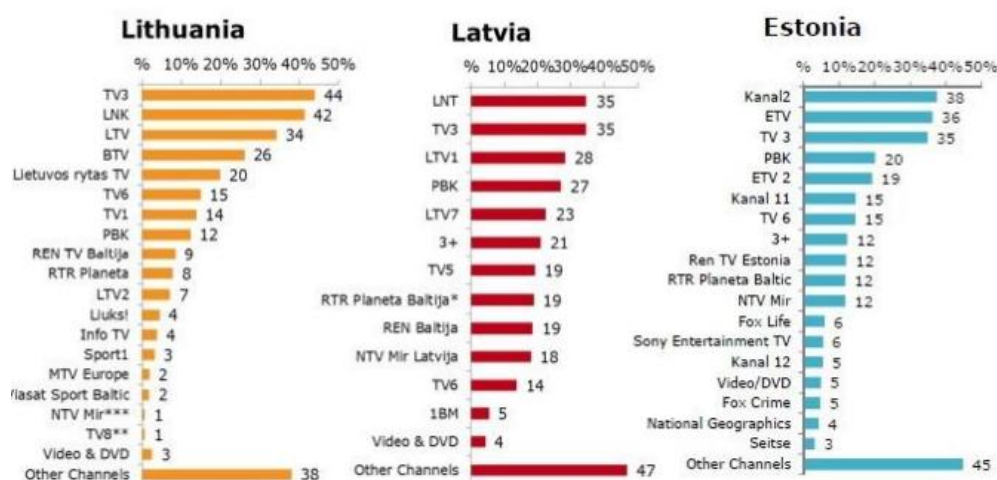
سازمان‌ها، کلیسای ارتدکس) و فرهنگ توده‌ای؛ مسکو به کشورهای منطقه بالتیک "درباره جذابیت خود" پیام‌های دلخواهی را می‌دهد و به‌این ترتیب؛ تلاش دارد تا قدرت نرم و در برخی موارد شناختی خود را افزایش داده است.

رسانه‌ها ابزاری برای نفوذ و جهت‌دهی اطلاعات

رسانه مؤثرترین بستر برای ارائه ارزش‌ها و علایق جامعه به شمار می‌رود و ابزاری می‌باشد که همواره روسیه در گذشته نیز در سیاست خارجی خود گنجانده است. در بسیاری موارد رسانه‌های روسی‌زبان بر دیاسپورای روسی متمرکز هستند که به آنها ثابت کنند، بخش مستقل و منزوی از جامعه بالتیک محسوب می‌شوند. مسکو از رسانه‌ها به‌خصوص رسانه‌های اجتماعی نه‌تنها برای اطلاع‌رسانی، بلکه اغلب در قالب محتواهای منفی و خاکستری، در راستای انجام (کارزارهای اطلاعاتی و تبلیغاتی) علیه حاکمیت‌های مستقل بالتیک بهره می‌گیرد. این اقدام؛ برای توسعه عادی فرایندهای دموکراتیک بسیار مضر و خطرناک است؛ زیرا شکاف قومیتی ساکنان آنها را تقویت خواهد کرد. در چند سال گذشته، روش‌های "نفوذ" روسیه در چنین جریان‌های گسترش‌یافته و با استفاده از ابزارهای جدید سعی در جذب جمعیت غیر روسی‌زبان دارد. رسانه‌های روسی همچون اسپوتنیک پیشنهادی را برای جوانان ارائه کرده و قصد دارد یک پورتال اینترنتی و رادیویی نیز باز کند که از دو زبان روسی و لتونیایی پشتیبانی ویژه کند. این برنامه‌ها قبلاً آخر هفته در محیط اندروید وارد رسانه‌های لتونی شده است. اسپوتنیک بخشی از آژانس اطلاع‌رسانی دولتی روسیه به نام "روسیا سگودنیا" است که توسط روزنامه‌نگار دیمتری کیسلوف رهبری می‌شود و همچنین به دلیل فعالیت‌های تبلیغاتی و اطلاعاتی خود در فهرست تحریم‌های اروپا نیز قرار گرفته است. این سرویس خبری -اطلاعاتی به چهارده زبان عمده در ۱۰ کشور جهان از جمله؛ مناطق موردعلاقه روسیه، به‌ظاهر خدمات رسانه‌ای و تبلیغاتی ارائه می‌دهد. اسپوتنیک در نتیجه استفاده از دیدگاه‌های جایگزین و حتی فریبنده؛ انتظار موفقیت در چنین محیطی را دارد. با توجه به مروری بر رسانه‌های بالتیک (جدول شماره ۲)، درصد شبکه‌های تلویزیونی روسیه در کشورهای منطقه بالتیک چندین سال است که تغییر چندانی نکرده. کانال روسی پروویو بالتیسکی^۳ که بینندگان بیشتری را در دو کشور لتونی و استونی در اختیار دارد و البته توانسته به خود جلب کند، یکی از پربیننده‌ترین کانال‌ها در کشورهای بالتیک به شمار می‌رود که در جریان سازی‌های متعددی نیز نقش داشته است (Baltic Media Overview 2011, 2012). در کشور لتونی دو نشریه در پنج مورد خاص به زبان روسی منتشر می‌شود که شامل بر: تیوی پروگرم و مک لتونی است (Daveluy 2011). اما کارشناسان همچنان تصور می‌کنند که رسانه‌های روسی شانس کمی برای توسعه در کشورهای کوچک بالتیک دارند زیرا آنها از سوی مخاطبان و البته این جامعه صرفاً به ابزار تبلیغاتی ضدآمریکایی کرملین شناخته می‌شوند؛ و در ادامه معتقدند که روزنامه‌نگارانی که به زبان بالتیک و مادری خود صحبت می‌کند؛ چندان مایل نیستند حتی با پرداخت مبالغ و دستمزدهای بالا برای رسانه‌های روسی کار کنند (BNN-news 2015b).

³ Pervyj Baltijskij

جدول ۲: دسترسی روزانه به کانال‌های تلویزیونی با درصد



منبع: مروری بر رسانه‌های بالتیک ۲۰۱۱

منابع مالی در راستای اعمال نفوذ در منطقه بالتیک

این یک راز آشکار است که روسیه از لحاظ مالی از انجیوهای محلی حمایت می‌کند که آنها از سیاست‌های پیچیده و پُر ابهامش در کشورهای منطقه بالتیک دفاع کنند. به گفته خبرنگار و پژوهشگر سائیتا جمبرگا؛ در سال (۲۰۱۵) بیش از ۴۰ سازمان در منطقه وجود داشته که در سه سال گذشته؛ حداقل ۱٫۵ میلیون یورو دریافت کرده‌اند (معاملات نقدی و تأمین مالی از طریق شرکت‌ها و افرادی که با کرملین دوست هستند انجام می‌پذیرد). برآورد دقیق میزان درآمد آنها از طریق منابع دولتی روسیه غیرممکن است، زیرا بخشی از اعضاء در گزارش‌های سالانه خود آن را هرگز اعلام نمی‌کنند. به عنوان مثال، در قانون لیتوانی سازمان‌های غیردولتی موظف نیستند حامیان خود را فاش کنند. از نویسندگان مقالات، فیلم‌سازان و محققان گرفته که نسخه روسی تاریخ را دنبال می‌کنند تا مشارکت‌کنندگان در شورش تالین در ۲۰۰۷، از این حمایت‌ها برخوردار بوده‌اند و از طریق سازمان غیردولتی روس در کشورهای منطقه بالتیک پشتیبانی مالی شده است. بنیاد هم‌وطن همچنین به (افراد، سازمان‌ها و کارشناسان یا معترضان علیه حمایت لیتوانی از اوکراین) و مؤسسات اطلاعاتی (رسانه‌های روسی زبان)، ایدئولوژیک (جهان بدون نازیسم به دلیل انتقاد از ایدئولوژی نازیسم در کشورهای بالتیک)، علمی (کنفرانس‌ها و بحث میزگرد) یا فعالیت حقوقی (ترجمه قوانین بالتیک به روسی) تقسیم‌بندی می‌شوند. تحقیقات رسانه‌ای نشان می‌دهد که احزاب روسی در کشورهای بالتیک از بودجه هم‌وطنان خود به شدت حمایت می‌کنند. به گزارش شبکه خبری بالتیک، اتحادیه روس‌های لتونی به ریاست نماینده پارلمان اروپا تاتیانا زندانوکا، نزدیک به ۹۵ هزار یورو از کمیته حقوق بشر لتونی و بنیاد حمایت از هم‌وطنان و حمایت قانونی توسط وزارت خارجه روسیه که به تازگی تأسیس شده دریافت کرده است. با این حال، او برخی از مبالغ مالی را نپذیرفت و صرفاً به حمایت صندوق روسیه اشاره صریح دارد. وی اعتراف کرد که کمیته حقوق بشر لتونی از صندوق حمایت روسیه پول دریافت کرده زیرا؛ هیچ راهی برای دریافت پول از دولت لتونی وجود ندارد. (BNN-news 2015c) علاوه بر این، شهردار تالین، ادگار ساویسار رئیس حزب مرکز، دومین حزب بزرگ در استونی مورد حمایت اقلیت روس زبان به دلیل روابط نزدیک با پوتین به عنوان عامل نفوذی روسیه شناخته شده. (Braw 2014, Milne 2015) (Bershidsky 2015) بسیاری از سازمان‌های سیاسی دیگر نیز دارای اقلیت روس می‌باشند که برای دستیابی به دستاوردهای انتخاباتی و گرفتن امتیازات بیشتر با حمایت سیاسی یا مالی کرملین در حال تعامل با جامعه بالتیک و اروپا هستند.

سازمان‌ها و نهادهای همسو با افکار کرملین

دولت روسیه چندین نهاد و آژانس را برای نظارت بر هم‌وطنان خارج کشور از جمله؛ وزارت خارجه، وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ به کار گرفته است. آنها در واقع مانند شورای هماهنگی بین‌المللی هم‌وطنان روس، کنگره بین‌المللی هم‌وطنان، بنیاد حمایت از هم‌وطنان و حمایت قانونی و سفارتخانه‌ها "بنیادهای قدرت نرم" محسوب می‌شوند (Re. Baltica 2015). دیپلماسی عمومی شامل سیستمی فعال از مرکز روسفون^۴ است که بیش از صد مرکز آن در کشورهای منطقه بالتیک در حال فعالیت می‌باشد. در سال ۲۰۰۷، وزارت خارجه به دستور مستقیم رئیس‌جمهور پوتین یک مؤسسه چندمنظوره با اهداف خاص و موردنظر کرملین، تحت عنوان "دنیای روسیه" را تأسیس کرد که از طریق صندوق‌های دولتی و خصوصی پشتیبانی مالی می‌شود. (Presidential Decree 2007) آنها در شهرهای شاولیای و ویلنیوس کشور (لیتوانی)، دوگاپیلس و ریگا (لتونی) و تالین (استونی) فعالیت دارند. از انجمن‌های طرفدار روسیه و نماینده دیاسپورای روسی‌زبان حمایت می‌شود که البته تنها به نفع حفظ و ترویج فرهنگ، زبان، ارزش‌ها و هویت قومی روسیه اقدامات موردنظر را به اجرا درمی‌آید؛ اما از سوی دیگر؛ قوانین سازمان‌های غیردولتی در کشورهای بالتیک موضوعی حساس و مشکل‌ساز نیز است. در همین حال به نظر می‌رسد روسیه از نبود مقررات مناسب برای پنهان‌کاری و پول‌شویی استفاده کرده و اطلاعاتی در خصوص منشأ منابع مالی ارائه نمی‌دهد؛ از جمله می‌توان به سازمان جوانان روسی‌زبان استونیایی و یا مولودوی اسلوو^۵ که به‌عنوان GONGO نیز شناخته می‌شود و دیگر انجیوه‌های سازمان‌یافته اشاره کرد. (BNN news 2014) دولت‌های کوچک منطقه بالتیک باید برای حفاظت منافع خود در زمینه حقوق مدنی و شهروندی مشارکت فعال داشته باشند. استفاده از سازمان‌های تحقیقاتی، دیپلماسی یا دموکراسی در چارچوب بستری برای بیان و اعمال منافع خارجی روسیه، پدیده جدید دیگری است که در منطقه بالتیک شکل گرفته و همچنان تا به امروز ادامه دارد. در سال ۲۰۰۴، باشگاه بحث و گفتگوی والادیا باهدف به‌کارگیری اهداف همسو با مسکو تأسیس شد و در سال ۲۰۰۸ بنیاد دیپلماسی عمومی گورچانکف شکل گرفت. (Tafuro 2014) هدف آنها تأثیرگذاری بر بحث‌های عمومی و جامعه از طریق ترویج دموکراسی و حمایت از حقوق بشر اما از نگاه و تفکر روسیه - پوتین است. به گفته نورموندس لایزانس، سرویس امنیتی لتونی معتقد است کرملین از آنها در قالب عوامل تأثیرگذار و کاملاً خاص اطلاعاتی، سوءاستفاده می‌کند (Re. Baltica 2015).

به‌کارگیری شاخص دیپلماتیک، ابزاری هوشمند و مؤثر

روسیه بارها کشورهای بالتیک را به نقض حقوق بشر متهم ساخته است. در سال ۱۹۹۹، به دلیل رد صلاحیت زندانوک از نامزدی در پارلمان لتونی و در انتخابات شهرداری‌ها، دومای دولتی روسیه، دادستان لتونی را به نقض حقوق بشر محکوم کرد (GosDuma Act 1999). مسکو از جامعه بین‌المللی درخواست کرد که از دولت لتونی به دلیل سوءاستفاده‌های قانونی و همچنین در مورد روزنامه‌نگار روسی ساکن ایتالیا جولیتو چیساکه از نماینده پارلمان اروپا در کشور ایتالیا انتقاد کرده بود، دستور خروج او از کشور را صادر کند (Nielsen 2015).

بالین‌حال نه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد شواهدی مبنی بر سوءاستفاده از حقوق بشر یا تبعیض قومی پیدا نکرده‌اند (Conley, Gerber 2011). هرچند بسیار جالب است که سازمان عفو بین‌الملل برای روسیه موفقیت‌آمیز بوده و از سیاست تبعیض‌آمیز شهروندی در کشورهای بالتیک انتقاد فراوان داشته. استفاده از "هوش مصنوعی" به رفع محدودیت سیاست‌های زبان و آموزش برای افراد خارج از روسیه توجه جدی دارد و مشکل دیگر، وضعیت نامطلوب اقتصادی

^۴ Russophone

^۵ Molodoy slovo

^۶ چند سالی که خبرنگار مسکو در روزنامه‌های ایتالیایی کار می‌کرد شهرتش توجیه کننده فعالیت روسیه در گرجستان بود و خواستار به رسمیت شناختن استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا و حمایت از فعالیت روسیه در شرق اوکراین شد.

دیاسپورای روس می‌باشد که ناشی از عوامل سیاسی (حقوق سیاسی محدود) و عوامل اجتماعی (فقدان توانایی زبان خارجی) است که البته از سوی کارشناسان ارزیابی دقیقی صورت نپذیرفته است.

در سال ۲۰۰۹، گزارش نهایی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل استفاده از نیروهای نظامی علیه تظاهرات در آوریل ۲۰۰۷، را به شدت محکوم کرد (Amnesty International 2006, 2007). گرچه عدم تابعیت اقلیت‌های روس از طریق سیاست‌های جدی دولت استونی در زمینه اعطای حقوق شهروندی کاهش می‌یابد، اما در فوریه ۲۰۱۱، روسیه در جلسه شورای حقوق بشر سازمان ملل از سیاست تبعیض‌آمیز استونی انتقاد و آن را تهدید کرده است. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه عدم شهروندی اقلیت روسی‌زبان در استونی را "پدیده شرم‌آوری" توصیف کرد که از سوی دولت استونی و سازمان‌های بین‌المللی "توجه بیشتری" را می‌طلبد. (News 2011) در سال ۲۰۱۵، تصمیم لیتوانی برای ممنوعیت پخش رسانه‌های دولتی روسیه که متهم به ایجاد نفرت بین جامعه روسیه و اوکراین بودند بار دیگر شرایط را به شکل خاص تغییر داد (Lapénienè 2015, Reuters 2014). به همین ترتیب، شرکت ان. تی. وی مایر متعلق به گازپروم در سال ۲۰۱۴، به دلیل دروغ‌گویی در مورد نقش ارتش شوروی در وقایع سال ۱۹۹۱، به مدت سه ماه در لیتوانی ممنوع فعالیت شد. آنها روسیه را تحت فشار گذاشتند تا موضوع رسانه‌ها را در دستور کار اتحادیه و سازمان امنیت و همکاری اروپا قرار دهند. دنیا می‌تواند پیچ‌نماینده آزادی رسانه‌ها در سازمان امنیت و همکاری اروپا به مقامات دولتی که برای جلوگیری از تبلیغات خارجی اقدامات را از طریق ممنوعیت یا مسدود کردن سیگنال‌های رادیویی و تلویزیونی یا اعمال محدودیت‌های دیگر از جمله؛ ممنوعیت ورود روزنامه‌نگاران روسی یا اخراج آنها از مطبوعات دولتی انجام دادند پاسخ جدی داد (Richter 2015). وی به همه کشورهای شرکت‌کننده در سازمان امنیت و همکاری اروپا به صراحت گفت؛ سانسور تبلیغات راهی برای مقابله با آنچه دشمنان انجام می‌دهند نیست. تنها یک محیط رسانه‌ای باز، متنوع و پویا که به خوبی فعالیت می‌کند می‌تواند تأثیر تبلیغات دشمن را به‌طور مؤثر خنثی سازد.

اعمال ایدئولوژی در راستای سیاست‌های گذشته

ضد نازیسم ایده و تفکری است که روسیه همچنان به‌طور خاص بر آن تمرکز دارد. از سال ۲۰۰۵، این کشور قطعنامه ضد نازیسم را علیه تظاهرات طرفداران نازی و تجلیل‌کنندگان از نازیسم به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کرده، اما این طرح چندان از سوی دیگر کشورهای عضو مورد حمایت قرار نگرفت. لاوروف اشاره کرده که لتونی و استونی غالباً محل برگزاری رژه نظامی به افتخار مجروحان و کشته‌شدگان وافن. اس.اس می‌باشد که لژیون لتونی و بخش‌هایی از اس.اس -۲۰ استونی نیز در آن حضور دارند (RT 2012). ایده جهان بدون نازیسم در سال ۲۰۱۰، مطرح شد، جهان بدون نازیسم^۸ راه دیگری برای ارائه ارزش‌ها و علایق روسیه در مجمع بین‌المللی است که از این طریق به اهداف پنهان خود دسترسی پیدا کند. با شروع تعدادی از کنفرانس‌های بین‌المللی (۲۰۰۹ در برلین و ۲۰۱۰ در ریگا) که اعضای سازمان‌های کهنه‌کار و همچنین انجمن‌های جوانان، نهادهای منطقه‌ای، از جمله ده‌ها نفر از کشورهای بالتیک که بیش از ۳۶۰ عضو از ۱۳۶ سازمان و ۲۸ کشور از سراسر جهان دارند در این رویداد شرکت کردند. شعار "جهان بدون نازیسم" به "ارزیابی نادرست" ایدئولوژی قهرمانانه جنگ جهانی دوم از نازیسم و محدودیت‌های حقوق و آزادی‌های فرهنگی و مذهبی اقلیت‌های ملی اشاره فراوان دارد. ایده جلوگیری از نابودی ایدئولوژی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و حفاظت از سیاست مضر لیبرال کشورهای غربی توسط اقلیت‌های روس، گروه‌های چپ افراطی، کمونیستی، جوانان و سازمان‌های کهنه‌کار، مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفت. (Braw 2014) به گفته جیمز کرچیک در سال (۲۰۱۵)، نهادهای مستقل روسیه به دنبال سیاست خود برای تأثیرگذاری بر دیگر کشورهای جهان هستند. ایده "جهان بدون نازیسم"، شبیه "جنگ علیه تروریسم" در زمره نمونه اقدامات روسیه در چچن، راهی مؤثر برای متقاعد ساختن افکار عمومی بین‌المللی برای انجام اقدامات اساسی در راستای حفاظت از امنیت، ثبات و صلح در اروپا است. از نگاه ایدئولوژیکی، دولت روسیه توسط کلیسای ارتدکس که

⁷ Dunja Mijatovic

⁸ Международное правозащитное движение Мир без нацизма

عنصر سنتی و تمدن روسیه در فضای پس از شوروی محسوب می‌شوند به بازسازی و تولد دوباره پایگاه دولتی مدرن که نماد شکوه و پیروزی ملی به شمار می‌رود، مورد حمایت قرار گرفته است. این رویکرد، جزء هویت دینی، سیاسی و ملی جمعیت روس زبان‌ها در کشورهای بالتیک نیز هست. گفته شده که کمک‌های کلیسای ارتدکس روسیه به تحکیم جامعه هم‌وطنان بسیار مؤثر بوده و در کشورهای بالتیک تأثیر آن در سال‌های اخیر در مناطق بسیار حساس، به‌ویژه در میان کودکان و جوانان افزایش چشمگیری یافته است.

سیاست‌های حقوقی در راستای جذب شهروندان خارج کشور

روسیه، از ویزا و سیاست شهروندی به‌عنوان ابزاری در راستای اعمال قدرت نرم استفاده می‌کند. امروزه، مفهوم این سیاست اما تغییر جدی کرده است. در ابتدای دوره اول ریاست جمهوری پوتین، گروه هم‌وطنان به‌طور ویژه‌ای شناخته شد، در حالی که «آگاهی» از "روسی بودن" مهم‌ترین و البته بارزترین شاخصه جامعه روسیه به شمار می‌رود. به‌طور غیرمنتظره‌ای، برنامه تشویق مهاجران روس برای بازگشت به کشور چندان موفقیت‌آمیز نبود و معلوم شد که اقلیت روسی‌زبان در کشورهای منطقه بالتیک صرفاً می‌خواهند هویت روسی را پرورش داده و روابط خود را با مسکو توسعه دهند، اما در مقابل هرگز تصمیم نگرفتند که محل اقامت خود را جابه‌جا کنند (Munoglu 2011).

در سال ۲۰۱۰، رئیس‌جمهور دیمیتری مدودف، برنامه بازگرداندن مجدد اقوام روس را امضاء کرد، اما مستقیماً از متخصصان ماهر و تحصیل‌کرده برای اتخاذ ایده‌ها یا روش‌های جدید و مدرن سازی اقتصاد روسیه دعوت و از نگاه آنان استفاده نمود. به‌طور کلی؛ "قدرت نرم" روسیه در زمینه ویزا و سیاست شهروندی می‌تواند محدود یا بی‌اثر شناخته شود. ساکنان "خارج از کشور"، از جمله قومیت‌های حاضر در کشورهای بالتیک، عمدتاً از امکانات برای سفر به روسیه، دیدار خانواده یا امور تجاری بهره می‌گیرند و به لطف تابعیت فدراسیون روسیه، آنها همچنین از کمک‌های اجتماعی یا فرصتی برای تحصیل در این کشور برخوردار هستند. در چند سال گذشته تعداد بیشتری از ساکنان از جمله؛ شهروندان لتونی، به دلیل مزایای اقتصادی عالی به دریافت اسناد و هویت روسی شده‌اند (Ruposters 2014). با توجه به توانایی سفر آزادانه در مرزهای روسیه و مستمری بیشتر شهروندان نسبت به کشورهای منطقه بالتیک، این وضعیت می‌تواند برای دولت‌های این منطقه چالشی و تا حدودی پُر هزینه باشد. هرچه تعداد شهروندان روسی در کشورهای بالتیک بیشتر باشد، سیاست روسیه در منطقه بیشتر از گذشته تأثیرگذار است؛ اما با توجه به بحران اقتصادی، مسکو مجبور شده سیاست شهروندی خود را نیز تغییر دهد. در آغاز سال ۲۰۱۵، دومای دولتی روسیه پیش‌نویس را تهیه کرد که نیمی از حقوق بازنشستگی را برای شهروندان روسی که در خارج از کشور و بیش از ۱۸۳ روز در ۱۲ ماه گذشته بوده‌اند پیش‌بینی می‌کند.^۹ در حال حاضر کرملین در نظر دارد بازنشستگان را برای اقامت در کشور جذب و تشویق کند و نکته جالب این است که در میان آنها بیش از ۲۰ هزار نفر در لتونی زندگی کرده و تابعیت آنجا را دارند.

انگیزه‌های اقتصادی

به‌غیر از ابزار اقتصادی که در پوشش قدرت سخت (فشار و تحریم) قرار دارند، سرگرمی‌ها و گروه‌های علاقه‌مند روسی‌زبان در کشورهای بالتیک یکی دیگر از عوامل قدرت نرم روسیه محسوب می‌شوند. در دهه ۹۰ میلادی روند انتقال نخبگان روس از "دنیای تجارت" به طبقه سیاسی آغاز شد و مشاغل روسی در همکاری با (شبکه‌های تجاری) و ترویج فرهنگ تجاری روسیه (مبتنی بر احساسات، مہلک بودن، بدبینانه، درون‌گرایی، ذهنیت برتر و عوامل مستقیم) مشارکت کردند و اثربخشی سیاسی دولت و قدرت نرم را افزایش دادند (especially in the energy sector; Kuznetsov, Kuznetsova 2005). روسیه با استفاده از

^۹ لازم به ذکر است؛ این امر مربوط به بازنشستگی است که تابعیت خود را تغییر داده‌اند یا تابعیت دوم گرفته‌اند، روسیه قصد دارد با توجه به مشکلات اقتصادی و تحریم‌ها پرداخت حقوق بازنشستگی به شهروندان خارج از کشور را متوقف کند.

شرکت‌های بزرگ دولتی و خصوصی از جمله؛ گازپروم، روس نفت و لوک اوایل با کنترل خطوط لوله، ساخت کارخانه‌های فرآوری جدید و نظارت بر فعالیت پمپ‌بنزین‌ها دید اقتصادی خود را توسعه و افزایش داده است.

کُنش و ماهیت قدرت نرم روسیه در منطقه بالتیک

مقایسه قدرت نرم روسیه، ایالات متحده و یا سایر کشورها بسیار دشوار و حتی غیر قابل باور است، زیرا همواره تفاوت‌های متمایزی از جمله؛ (سازمان، عامل و ابزار عینی) بین آنها وجود دارد. بی‌تردید؛ برآورد کیفیت و اهمیت قدرت نرم روسیه با استفاده از روش‌های غربی، اقدامی بسیار سخت در این خصوص تلقی می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد؛ منابع قدرت نرم مسکو از طریق اقلیت‌های روسی‌زبان در راستای جلوگیری از کاهش فرهنگ غربی و جامعه مدنی در تمامی کشورهای مورد هدف و همچنین جهت ترویج و گسترش آن هدایت و کنترل می‌شود. قدرت نرم نه‌تنها به دولت‌های همسو بستگی دارد، بلکه به نهادهای مستقل نیز ارتباط چندجانبه‌ای پیدا می‌کند. در این صورت استفاده از قدرت نرم دشوارتر از قدرت سخت است، زیرا بسیاری از منابع آن خارج از کنترل دولت بوده و تأثیرگذاری تا حد فراوان به پذیرش عمومی جامعه بستگی دارد. شرکت‌ها، دانشگاه‌ها، کلیساها و بنیادهای خصوصی قادرند قدرت نرم خود را شکل دهند که البته باسیاست خارجی، سازگار یا نا همسو است. در خصوص روسیه، دولت بازیگر اصلی و سازنده در روایت قدرت نرم به شمار می‌رود که حاکمیت از طریق نهادهای، بنیادها، سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌های مذهبی و فرهنگی، احزاب سیاسی، تجارت و لابی‌های نفوذی به اجرا درمی‌آید. (توجه به جدول شماره ۳)

جدول شماره ۳: منابع قدرت نرم روسیه

منابع قدرت نرم	نقش و عملکرد روسیه
فرهنگ	زبان روسی، ادبیات، آموزش و پرورش، تبادلات دانشگاهی، هنر، فرهنگ عامه و سرگرمی‌های جمعی.
ارزش‌ها	ضد لیبرال و "دموکراسی حاکم"، جایگزین ایده‌های غرب همچون لیبرال، دموکراسی و آزادی است.
سیاست‌های خارجی	دولت مستقل مقتدر، به جای ارتباطات، سیاست خارجی مستقل در قبال ارتباطات، عدم احترام به استقلال سایر کشورها و عدم همکاری و مشارکت.

منبع: نویسنده مقاله با استفاده از منابع ارائه‌شده از اندیشکده رند

جدول شماره ۴: ابزارهای قدرت نرم روسیه

ابزارهای قدرت نرم	نقش و عملکرد روسیه
فراوندهای اطلاعاتی و رسانه	اطلاعات نادرست، محدودیت آزادی رسانه‌ها، رسانه‌های دولتی بدون منابع و اطلاعات جایگزین
مالی	توسط دولت یا نهادهای خصوصی و غیردولتی
سازمان‌ها	سازمان‌های دولتی
دیپلماتیک	انتقاد، اتهام، تبلیغات و روش‌های غیرقانونی و همکاری‌های پنهان
ایدئولوژی	جعل، فریب، دوگانگی به جای قانونی بودن، حقیقت و عینیت
سیاست حقوقی	ویزا و سیاست‌های شهروندی برای روسای جمهور شوروی سابق جذاب است
اقتصادی	ترویج فرهنگ تجاری روسیه

روسیه بدون داشتن قدرت نرم

بر اساس نظرسنجی‌های سنتوم لوادا در سال (۲۰۱۵) افکار عمومی در رابطه با سطح محبوبیت پوتین هنوز هم بالا است، بدین معنا که امکان دارد حکومت‌داری وی به‌طور متناقضی، قدرت نرم روسیه را تحت‌الشعاع قرار دهد؛ اما همان‌طور که جوزف نای اذعان کرده مشکل روسیه این است که در حال حاضر قدرت نرم بسیار کمی برای اعمال در برابر حریفان بین‌المللی خود دارد

(Nye 2014). سرگئی لاوروف در بیستمین نشست سالگرد شورای سیاست خارجی و دفاعی در سال ۲۰۱۲ در مسکو، اعتراف کرد کشورش در این زمینه از سایر جوامع بسیار عقب‌افتاده و باید این جریان از طرق مختلف جبران کند. پژوهشگران هدر. ای کانلی و تئودور. پی گربر در سال (۲۰۱۱) تحقیقاتی را انجام دادند که ابزارهای قدرت نرم روسی را بی‌اثر یا محدود نشان می‌دهد. آنها همچنان ادعا می‌کنند که روسی‌زبانان در جامعه بالتیک به دلیل عدم توانایی به‌کارگیری زبان و بیکاری‌های فزاینده در شرایط ناسازگاری قرار گرفته‌اند، درحالی‌که نداشتن تابعیت از اهمیت کمتری برخوردار است. پاسخ‌دهندگان همچنین اذعان داشته‌اند که نگرش مثبتی نسبت به سیاست حمایتی دولت روسیه از اقلیت‌های روس ندارند یا تأثیر چندانی بر وضعیت آنها نداشته است.

تجزیه و تحلیل

با تشخیص و بررسی قدرت نرم روسیه در مسیر فعالیت‌های گسترده‌تر، برآورد می‌شود که فشار بر فضای پسا شوروی همچنان وجود داشته و البته اکنون نیز در حال جریان است. طبق اظهار نظر مسئولان منطقه بالتیک، کرملین از قدرت (نرم و سخت) بر اساس تسهیل این جریان پیچیده بهره می‌گیرد. همانند تلاش‌های نرم و هیبریدی در کریمه و شرق اوکراین، قدرت نرم که امروزه ماهیت شناختی دارد، می‌تواند به‌عنوان یک گام ملایم و ظریف برای اعمال چالش‌های جدید بین‌المللی تلقی شود. (تبلیغات، اطلاعات نادرست، ترویج فرهنگ و زبان روسی) ممکن است، قبل از بروز خصومت‌ها کارساز باشد. کرملین در تلاش است تا پیشنهاد و سیاست‌های هیبریدی خود را گسترش دهد که عمدتاً خطاب به جامعه روسی‌زبان در منطقه پسا شوروی است و بر روی به حداقل رساندن اثرگذاری ایالات متحده و اتحادیه اروپا متمرکز شده است. نفع مسکو از طریق جریان دهی یک جامعه قدرتمند و غیر منسجم از مهاجران روسی است که اکثریت قریب به اتفاق در برخی مناطق کشورهای بالتیک مانند استونی زندگی می‌کنند و بیش‌ترین توانایی تأثیرگذاری بر جامعه؛ با استفاده از رسانه‌ها انجام گرفته است. اکنون توسعه بیشتر اطلاعات جهانی نشان می‌دهد که اهمیت نسبی قدرت نرم روبه افزایش می‌باشد. با بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی پیشرفته، دولت‌ها قادر خواهند بود، مشکلات را به‌طور مؤثرتری حل کنند. فرایند دموکراتیزاسیون شامل دسترسی به منابع اطلاعاتی جدید و جایگزین حتی نسل امروزی از گویندگان روسی است که خود را بیشتر اروپایی با اتخاذ آرمان‌های آزادی غربی، نسبت به بخشی از جامعه روسیه احساس می‌کنند. (Симоныя 2010) به گفته آگنیا گریگاس دانشمند و محقق علوم سیاسی، آنها سیاست روسیه را تأیید نمی‌کنند و نیازی به حفاظت از جانب این کشور نیز ندارند. در مقابل، اعضای مختلفی از جوامع و قومیت‌های روس مدعی شده‌اند که حمایت روسیه از آنان در طی ادوار مختلف کافی و سازنده نبوده (Корнышева 2011). این موضوع بدان معناست که جامعه روسیه در کشورهای بالتیک منسجم نیست؛ بلکه به‌وضوح تقسیم و خرد شده. کاملاً بدیهی است که بر اساس ارزش‌های ضد لیبرالی، ایده حفاظت از نئونازیسم، گسترش محدود فرهنگ عمومی و ناسازگاری سیاست خارجی، از قدرت نرم روسیه در اروپا به‌ویژه اروپای شرقی کاسته است.

به‌منظور تضعیف نفوذ روسیه در بین کشورهای منطقه بالتیک، دولت‌های لیتوانی، لتونی و استونی باید از لفاظی‌ها و البته اقدامات خصمانه خودداری کرده و از روند ادغام اقلیت روسی‌زبان در داخل استفاده کنند. این اقدام؛ شامل حمایت قانونی و نهادی از سازمان‌های غیردولتی و یا مستقل از روسیه، تشویق برای مشارکت در زندگی فعال، توجه به محیط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منطقه بالتیک، ارتقاء آموزش و مهارت‌های زبانی برای کمک به سازگاری اقلیت‌ها در این‌گونه جوامع که فراتر از تقسیمات قومی خواهد بود ادامه دارد و دولت‌ها همچنین بایستی تلاش‌های بیشتری برای کاهش تأثیرگذاری منفی تبلیغات روسیه دنبال کند. تلویزیون دولتی استونی؛ قبلاً برنامه‌ای برای تمدید اقدامات شناختی شبکه‌های جدید روسی‌زبان صورت داده و همچنین دولت آمریکا اعلام کرده کمک مالی به روزنامه‌نگاران روسی که در کشورهای بالتیک فعالیت دارند بایستی از طریق مبادی خاص و مشخص شده‌ای صورت گیرد. برنامه‌های آموزشی روزنامه‌نگاری برای خبرنگاران روسی‌زبان از طریق متخصصان رسانه‌ای به اجرا درمی‌آید که صرفاً در مناطق پیرامونی روسیه کار کرده‌اند. به دلیل افزایش تبلیغات و اطلاعات نادرست و پُراهم روسیه که سیطره وسیعی دارد، رسانه‌های هر سه کشور به مهارت‌ها و ابزارهایی برای مقابله با گزارش‌های خبری معتبر و مبتنی بر واقعیت نیاز دارند. (Marcin 2015) این برنامه، همچنین چشم‌انداز رسانه‌ای پخته‌تر و فعال‌تری را در قرن ۲۱ در هر سه کشور ایجاد خواهد کرد

که همچنین قدرت نرم کشورهای بالتیک را به شکلی چشمگیر افزایش می‌دهد. (United States Embassy in Vilnius 2015)

گرچه ابزارهای قدرت نرم متنوع‌تر، دقیق‌تر و هماهنگ‌تر هستند، اما بعید است که روسیه ابزارهای سنتی نفوذ خود در جوامع مختلف از جمله بالتیک را کنار بگذارد؛ اما از نظر بسیاری از پژوهشگران، تجاوز روسیه و الحاق این کشورها از طریق اقدام سخت بعید به نظر می‌رسد. در مقابل، روسیه به احتمال زیاد سعی در بی‌ثبات‌سازی منطقه بالتیک با به‌کارگیری (اطلاعات گمراه‌کننده و تحریک درگیری‌های اجتماعی) دارد. دوگانگی فعالیت‌های "قدرت شناختی" روسیه شامل دو سطح کلی است: آگاهی، مربوط به اقداماتی که هم برای دیاسپورا و هم برای جامعه بین‌المللی انجام می‌شود و اقدام عینی، با تکیه بر استفاده از موارد مثبت (مشوق‌ها، حمایت‌ها) و رویکردهای منفی (اطلاعات نادرست و کاهش سیستم ارزش‌های غرب) به نظر می‌رسد. برخلاف روش‌های غربی، اکثر ابزارهای قدرت نرم روسیه به مخاطبان خاص از جمله (مهاجران روس) هدایت می‌شود. ابزارهای دیپلماسی عمومی با تمرکز بر نظرات بین‌المللی، معمولاً در قالب پیام‌های منفی شناخته می‌شوند و اهمیت چندانی برای عموم جامعه غرب ندارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

قدرت نرم به احساسات بزرگ روسیه پس از اتحاد جماهیر شوروی سابق مشروعیت می‌بخشد که همین مسئله خود ابزاری برای ایجاد یک جامعه فراملی تاریخی، فرهنگی و زبانی را محیا ساخته است. ایده ذکرشده؛ توجیهی برای مشارکت روسیه در منطقه پسا شوروی نیز است و دلیل ارتباط مجدد با گذشته اتحاد جماهیر شوروی و وضعیت فعلی دیاسپورای روسیه و همچنین یک ابزار مهم برای بیان منافع کرملین در مجمع بین‌المللی می‌باشد (Laruelle 2015). در واقع ایده حمایت از حقوق اقلیت‌های روسی‌زبان در کشورهای بالتیک که توسط روسیه در عرصه بین‌المللی بیان شده، نوعی ظریف از بی‌اعتبار ساختن دولت‌های کشورهای بالتیک از بُعد مشروعیت حاکمیتی آنان را نشان می‌دهد. این پدیده در سیاست ولادیمیر پوتین در بخشی از تصویر منفی کشورهای بالتیک ظاهر شد تا بر سیاست‌های داخلی آنها تأثیر همه‌جانبه‌ای بگذارد. از دیدگاه روسیه، حفظ یک ملت خردشده، مطلوب است چراکه آنها از طریق اقدامات مختلف ادغام و سازگاری اقلیت روسی‌زبان را تضعیف می‌کنند. ابزارهای قدرت نرم روسیه پیچیده و متنوع‌تر از گذشته شده و با نیازهای دریافت‌کنندگان سازگار و همسو است (Žiugžda 2015).

در کشورهای بالتیک اکثریت‌قربان به اتفاق گویندگان زبان روسی بزرگ‌سال و افراد بالغ هستند. با اجرای ابزارهای جدید مانند اینترنت، برنامه‌ها در زمینه بوردیس تحصیلی دانش‌آموزان، فعالیت‌های کلیسای ارتدکس روسیه برای کودکان و نوجوانان، ابزارهای قدرت نرم فعلی مسکو به نسل‌های جوان هدایت می‌شود. عوامل ناموفق سیاسی از جمله؛ (تکه‌تکه شدن احزاب سیاسی و بی‌ثباتی سیستم حزبی)، اقتصادی (بازار آزاد، تجاری‌سازی و روابط اقتصادی در دوران اتحاد جماهیر شوروی) و قومی (نسبت بالای روس‌ها به‌ویژه در لتونی و استونی) شرایط مطلوبی را برای روسیه در جهت تحقق منافع خود در منطقه بالتیک ایجاد کرده است. باوجود پیوستن لیتوانی، لتونی و استونی به ناتو و اتحادیه اروپا، مسکو همچنان سیاست‌های اقتصادی، انرژی و قومی خود را براساس دهه ۹۰ قرن بیستم ادامه می‌دهد (Žiugžda 2015). برای افزایش اثربخشی، مسکو قدرت‌های نرم و سخت را به شکلی "متعادل" به کار می‌گیرد. چند سال پیش، عملیات نظامی روسیه در امتداد مرزهای بالتیک به نظر می‌رسید که امروزه "اهمیت چندانی" ندارند و اکنون با توجه به قدرت نرم، تهدید بالقوه‌ای برای دولت‌های کشورهای بالتیک به شمار می‌رود.

(Žurawski vel Grajewski 2011) قدرت هوشمند که جوزف نای آن را تحت عنوان توانایی استفاده منطقی از ماهیت قدرت «سخت و نرم» تعریف کرده، برای موفقیت در سیاست بین‌المللی ضروری و الزام‌آور است. به نظر می‌رسد در خصوص تلاش‌های مسکو، نسبت به "کشورهای خارجی نزدیک" تحت سلطه، آنها توانسته‌اند حرف نخست را اعمال کنند، هرچند قدرت نرم یک ابزار همراه با قدرت سخت، قابل توجه و اثرگذار است. در انتها بعید به نظر می‌رسد که روسیه قصد داشته باشد جامعه غیر روسی‌زبان را در جهان ایده‌ها و عقاید پلورالیستی (متعهد به احزاب و ائتلاف) جذب و ترکیب کند؛ اما مزیت آن ممکن است مخالفت سازنده و مؤثری با ایالات‌متحده در میان سایر حاکمیت‌های بسته باشد و تصور نمی‌شود که در آینده تشویق ارزش‌ها و فرهنگ روسی یک‌روند دائمی از سوی کرملین باشد.

منابع

- 1- Estonia: Linguistic minorities in Estonia: Discrimination must end. In: Amnesty International, 2006. [Cited 20.06.2013.]
- 2- Language police gets more powers to harass. [Online.] In: Amnesty International, 2007. [Cited 20.06.2013.]
- 3- Baltic Media Overview (2011, 2012): [Online.] In: Baltic Media Overview, 2011, 2012. [Cited 13.08.2015.]
- 4- Education Minister proposes more subjects taught in Lithuanian at Russian and Polish schools [Online.] In: Baltic Times, 2015. [Cited 13.08.2015.]
- 5- Bershidsky, L. (2015): Estonia Can Handle Putin's Soft Power. [Online.] In: Bloombergview, 2015.
- 6- Researchers: Russia's public diplomacy increases tension within Latvia. [Online.] In: BNN-news, 2014.
- 7- BNN-news (2015a): Number of Russian tourists visiting Latvia declines by one-third. [Online.] In: BNN-news, 2015. [Cited 7.09.2015.]
- 8- BNN-news (2015b): Russian propaganda media Sputnik enters Latvia through the back door. [Online.] In: BNN-news, 2015.
- 9- BNN-news (2015c): Zdanok received nearly EUR 95,000 from Russia last year. [Online.] In: BNN-news, 2015.
- 10- Braw, E. (2014a): Russian Spies Return to Europe in 'New Cold War'. [Online.] In: Newsweek, 2014.
- 11- Conley, H.A. – Gerber Th.P. (2011): Russian Soft Power in the 21st Century, Center for Strategic and International Studies. [Online.]
- 12- Daveluy, D. (2011): The Media Landscape in the Baltic States. [Online.] In: In a global, 2011. [Cited 13.08.2015.]
- 13- Economist (2012): Latvia's referendum. What's my language? [Online.] In: Economist, 2012.
- 14- ECHR (2000), Case of Ždanoka v. Latvia. [Online.] In: ECHR, 2000. [Cited 8.09.2015.]
- 15- European Commission (2012): Europeans and languages [Online.] In: European Commission, 2012. [Cited 17.10.2015.]
- 16- Grigas, A. (2014): Compatriot Games: Russian-Speaking Minorities in the Baltic States. [Online.] In: World Politics Review, 2014.
- 17- Horska, N. (2015): Aktywność narodowa mniejszości rosyjskiej na Ukrainie (1991- 2004). Toruń: Europejskie Centrum edukacyjne, 2009. 344 pp. ISBN 978-83-60738- 85-6.
- 18- Jemberga, S. – Salu, M. – Černiauskas, Š. (2015): Kremlin's millions. [Online.] In: Re. Baltica, 2015.
- 19- Kirchick, J. (2015): Anti-Nazi Group Secretly Helping Kremlin Rebuild Russian Empire. [Online.] In: The daily beast, 2015. [Cited 13.06.2015.]
- 20- Корнышева, М. (2011): Сергеев: мы хотим, чтобы нам помогли найти российского медиамагната. [Online.] In: Delfi, 2011.
- 21- Kuznetsov, A. – Kuznetsova, O. (2005): Business Culture in Modern Russia: Deterrents and Influences. In: Problems and Perspectives in Management, 2005, 2, pp. 25-31.
- 22- Lapėnienė, J. (2015): Why Lithuania banned Russian TV channel. [Online.] In: Delfi, 2015. [Cited 13.08.2015.]
- 23- Lavrov, S. (2012): Russia in the 21st -Century World of Power. [Online.] In: Global Affairs, 2012.

- 24- Levada (2015): Approval of Putin. [Online.] In: Levada Centrum, 2015. [Cited 21.01.2015.]
- 25- Liik, K. (2007): The 'Bronze Year' of Estonia-Russia relations. In: Estonian Ministry of Foreign Affairs Yearbook, 2007, Tallin, pp. 71-76.
- 26- Marcin, T. (2015): \$500K Anti-Russian Propaganda Grant To Train Journalists In Baltic States: American Embassy In Vilnius, Lithuania. [Online.] In: Ibtimes, 2015.
- 27- Milne, R. (2015): Party with ties to Putin pushes ahead in Estonian polls. [Online.] In: Financial Times, 2015.
- 28- Munoglu, E. (2011): The impact of Nationalism on Democratization in Central and South-Eastern Europe. In: Ethnopolitics Papers, 2011, 9, pp. 2-9.
- 29- News (2011): Lavrov Blasts Estonia, Latvia on Non-Citizens Issue. [Online.] In: News, 2011. [Cited 14.08.2015.]
- 30- Nielsen, N. (2015): Estonia arrests, releases pro-Kremlin Italian journalist. [Online.] In: Euobserver, 2015.
- 31- Nye, J.S. (2014): Soft Power: The Means to Success in World Politics, New York: Public Affairs, 2004. 191 pp. ISBN 13978-1-58648-306-7.
- 32- Nye, J. (2014): Putin's Rules of Attraction. [Online.] In: Project Syndicate, 2014.
- 33- Panova, V.V. (2015): Russia's 'Soft' Policies towards the Baltic States: The different faces of 'Soft Power'. In: The Baltic States and Eastern Neighborhood between Russia and the UE. Riga: Latvian Institute of International Affairs, 2015. Pp. 80-98. ISBN 978-9984-583-61-7.
- 34- Presidential Decree (2007): Указ Президента Российской Федерации О создании фонда 'Русский мир'.
- 35- Lithuania bans Russian TV station over 'lies'. [Online.] In: Reuters, 2014.
- 36- Richter, A. (2015): Legal Attempts to Restrict Propaganda Broadcasts Related to Crisis in and around Ukraine, 2014-15.
- 37- 'Shame': Russia slams soft EU stance on Nazism. [Online.] In: RT, 20112.
- 38- Ruposters (2014): Из латышей в россияне: граждане Латвии всё чаще меняют свои паспорта. [Online.] In: Ruposters, 2014.
- 39- Simons, G. (2015): Perception of Russia's soft power and influence in the Baltic States. In: Public Relation Review, 2015, 41, 1, pp. 1-13.
- 40- Tafuro, E. (2014): Fatal attraction? Russia's soft power in its neighbourhood. Analysis. In: Policy Brief, 2014, 181, pp. 1-6.
- 41- United States Embassy in Vilnius (2015): [Cited 13.08.2015.]
- 42- World Factbook (2015): [Cited 17.08.2015.]
- 43- World Without Nazism (2015): [Cited 2.09.2015.]
- 44- Žiugžda, D. (2015): Baltic States in the Perspective of Russia's Security Policy. In: Lithuanian Foreign Policy, 2015, 7, pp. 1-18.
- 45- Żurawski vel Grajewski, P. (2011): Strategia Federacji Rosyjskiej wobec państw basenu Morza Bałtyckiego. In: Analizy natolińskie, 2011, 4, 52, pp. 1-62.